

US Balancing Strategy in the Security Council in the face of Democracy in West Asia

Hojjat Davand*

Ph.D. Student in Political Science, University of Tehran, Iran

(*Corresponding Author*) hojjat.davand@ut.ac.ir

Mohamad Hosein Jamshidi

Associate Professor of International Relations, University of Tarbiat Modares, Iran,

jamshidi@modares.ac.ir

Mohsen Eslimi

Assistant Professor of International Relations, University of Tarbiat Modares, Iran,

eslami.m@modares.ac.ir

Abstract

Objective: After the transition to democracy began in 2010 in the West Asian region, it did not take long for the wave of democratization to reach Syria and Bahrain. Expectations from the UN Security Council for peace and security increased as the ground for peace was restored and human rights abuses were widespread. In such circumstances, the United States, as one of the most influential permanent members of the Council, has taken a questionable stance on the developments in Syria and Bahrain, which has been the subject of this article. Therefore, the purpose of this article is to answer the question, what considerations and motives have led to such a contradictory orientation and behavior by the US government?

Method: In order to achieve this goal and provide an answer to the question, analytical-comparative research method has been used, relying on documentary and library data.

Results: The findings of the study indicate that with the follow-up and support of the United States, so far 21 recommendations for the reduction of violence in Syria have been approved by the Security Council. The United States has also engaged in active diplomacy to pass binding resolutions on Chapter VII of the Charter, including a deadline, sanctions and military intervention, and has drafted eight resolutions, but in the case of Bahrain, it has even proposed a non-binding resolution in the Council. Has not given.

Conclusion: While the United States has made great efforts in the Security Council to put pressure on the Syrian government, it has not considered any mechanism to limit Al Khalifa through the Security Council; As a result, the priority of US strategic interests over democratic and human rights considerations in pursuing a balancing strategy in West Asia has led to this contradictory performance in the Security Council.

Keywords: Syria, Bahrain, America, Democracy, Security Council, Human Rights.

راهبرد موازنه سازی امریکا در شورای امنیت در مواجهه با دموکراسی خواهی

در غرب آسیا (مطالعه موردی: سوریه و بحرین ۲۰۱۱-۲۰۱۷)

حجت داوند*

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول) hojjat.davand@ut.ac.ir

محمد حسین جمشیدی

دانشیار روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس، jamshidi@modares.ac.ir

محسن اسلامی

استادیار روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس، eslami.m@modares.ac.ir

چکیده

هدف: پس از آغاز روند گذار به دموکراسی از سال ۲۰۱۰ در منطقه غرب آسیا، طولی نکشید که موج دموکراسی خواهی به سوریه و بحرین نیز رسید. با از بین رفتن زمینه برقراری صلح و نقض گسترده حقوق بشر، انتظارات از شورای امنیت سازمان ملل در جهت برقراری صلح و امنیت، افزایش یافت. در چنین شرایطی ایالات متحده به عنوان یکی از تأثیرگذارترین اعضای دائم این شورا، در قبال تحولات سوریه و بحرین موضع گیری سؤال برانگیزی داشته که بررسی آن دستمایه نگارش این مقاله شده است. بنابراین، هدف نگارش این مقاله پاسخ به این سؤال بوده که چه ملاحظات و انگیزه‌ای موجب بروز چنین جهت گیری و رفتار متناقضی از سوی دولت امریکا شده است؟
روش: در جهت دستیابی به این هدف و ارائه پاسخ به پرسش مورد نظر از روش پژوهشی تحلیلی - مقایسه‌ای، با تکیه بر داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که با پیگیری و حمایت‌های ایالات متحده، تاکنون ۲۱ قطعنامه توصیه‌ای در جهت کاهش خشونت‌ها در سوریه به تصویب شورای امنیت رسیده است. همچنین امریکا دیپلماسی فعالی را برای تصویب قطعنامه‌های الزام‌آور فصل هفتم منشور شامل تعیین ضرب‌الاجل، تحریم و فراهم آوردن زمینه دخالت نظامی را به کار گرفته و پیش‌نویس ۸ قطعنامه را در این جهت آماده کرده، اما در خصوص بحرین حتی یک قطعنامه غیرالزام‌آور نیز در شورا پیشنهاد نداده است.

نتیجه‌گیری: درحالی‌که امریکا تلاش زیادی را در شورای امنیت برای فشار بر حکومت سوریه به کار گرفته، اما هیچ‌گونه سازوکاری برای محدود کردن آل خلیفه از طریق شورای امنیت در نظر نگرفته است؛ نتیجه این که اولویت منافع راهبردی امریکا نسبت به ملاحظات دموکراتیک و حقوق بشری در قالب پیگیری راهبرد موازنه سازی در غرب آسیا، موجب این عملکرد متناقض در شورای امنیت شده است.

واژگان کلیدی: سوریه، بحرین، امریکا، دموکراسی، شورای امنیت، حقوق بشر.

مقدمه

عمده مباحثی که تاکنون در حوزه عملکرد قدرت‌های بزرگ در سازمان‌های بین‌المللی صورت گرفته است، در پاسخ به دو پرسش اصلی بوده‌اند که تمرکز بر هر یک از این دو، جواب‌های متفاوتی در پی داشته است. پرسش اول این است که تأثیر قدرت‌های بزرگ در تأمین صلح و امنیت بین‌المللی چیست. پاسخی که معمولاً مطرح می‌شود این است که قدرت‌های بزرگ با توجه به ظرفیت‌ها، امکانات و جایگاه ممتازی که در نظام بین‌الملل دارند، توانایی برعهده‌گرفتن این وظیفه را دارند. این پرسش و پاسخ که بیشتر از جنس نظری و هنجاری است، تأسیس و استمرار شورای امنیت را مشروعیت بخشیده است. اما پرسش دومی که مطرح می‌شود این است که رفتار و عملکرد قدرت‌های بزرگ در شورای امنیت، چگونه قابل‌بررسی و ارزیابی است؟ پاسخی که معمولاً به این پرسش داده می‌شود این است که عملکرد قدرت‌های بزرگ در شورای امنیت معمولاً گزینشی، غیرعادلانه و در جهت منافع آن‌ها بوده است. این پرسش و پاسخ که بیشتر جنبه تاریخی و تجربی دارند، مبنای بسیاری از تحقیقات انتقادی در مورد عملکرد سازمان‌های بین‌المللی را شکل می‌دهد.

در همین ارتباط، عملکرد و رفتار ایالات متحده امریکا به‌عنوان عضو دائمی و متنفذ شورای امنیت نمود واضحی از پاسخ به پرسش بالاست؛ بنابراین، در این مقاله تلاش شده تا عملکرد امریکا به‌عنوان یکی از متنفذترین اعضای دائم شورای امنیت مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر شواهد و اسناد و کنش‌های سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای حاکی از این است که شورای امنیت بر اساس تعهداتی که در جهت حفظ صلح، تأمین امنیت و حقوق بشر در سطح بین‌المللی دارد، بعد از پیدایش موج جدید دموکراسی خواهی در منطقه، اقدام به مداخله در مناقشات کشورهای همچون مصر، یمن، لیبی، سوریه و ... کرده است. در این میان اظهارنظرهای متفاوتی در خصوص کارایی و اثربخشی اقدامات شورای امنیت صورت گرفته است. بررسی پژوهش‌های موجود بیانگر این است که اکثر این پژوهش‌ها به ناکارآمدی شورای امنیت به علت اختلافات اعضای شورای امنیت اشاره می‌کنند و سیاسی شدن تصمیمات شورای امنیت را علت عدم موفقیت این شورا در پیدا کردن راه‌حل برای بحران‌های منطقه و جلوگیری از نقض حقوق بشر می‌دانند. عده دیگری که در اقلیت هستند به موفقیت‌ها و تلاش‌های شورای امنیت در ارائه کمک‌های بشردوستانه، حمایت از ادامه گفت‌وگوهای صلح و فراهم آوردن آتش‌بس‌های موقتی از سوی شورای امنیت

۱. به‌عنوان نمونه بنگرید به: صراف یزدی، غلامرضا و ساجدی محمود، (۱۳۹۵)، «مقایسه کارکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در برابر دگرگونی‌های سیاسی در لیبی و سوریه»، فصلنامه سیاسی - اقتصادی اطلاعات، شماره ۳۰۳.

Adams, Simor, (2015), «Failure to Protect: Syria and the UN Security Council», Global Centre for the Responsibility to Protect Occasional Paper Series, NO. 5.

Renner, J. H, (2015), «The Responsibility to Protect: A Comparative Analysis of UN Security Council Actions in Libya and Syria», Policy Analysis Class of, 21-22.

در بعضی بحران‌ها اشاره می‌کنند.^۱ این در حالی است که شناخت عمیق‌تر راهبردهای اعضای اصلی و دائمی شورا راه را به گونه مؤثری برای شناخت مکانیزم‌های تصمیم‌گیری اعضا و در نهایت شورای امنیت هموار می‌کند و تاکنون نیز در کمتر پژوهشی به این معنا توجه شده است. بین اعضای دائمی نیز نفوذ و درعین حال فعالیت و تلاش ایالات متحده در مورد سوریه و بحرین بارزتر است. از این رو در این نوشتار تمرکز بر این عضو شورای امنیت بوده است. اقدامات و عملکرد آمریکا در شورای امنیت و در قبال قیام مردمی در سوریه و بحرین، نشان‌دهنده اعمال استانداردهای دوگانه و تبعیض‌آمیز در موضوع حمایت از دموکراسی و حقوق بشر است. بر این مبنا، این پرسش مطرح می‌شود که چه ملاحظات و انگیزه‌ای موجب بروز چنین جهت‌گیری و رفتار متناقضی از سوی دولت آمریکا شده است؟ در پاسخ فرضیه مطروحه این است که اولویت منافع راهبردی - در قالب راهبرد موازنه سازی - در منطقه غرب آسیا نسبت به ملاحظات اخلاقی و حقوق بشری موجب این عملکرد متناقض در شورای امنیت شده است. در جهت تبیین فرضیه و بررسی آن و ارائه پاسخ برای پرسش مورد نظر از روش پژوهشی توصیفی - تحلیلی، با تکیه بر داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

۱. چهارچوب نظری: واقع‌گرایی و سازمان‌های بین‌المللی؛ راهبرد موازنه سازی

رتالیست‌ها دولت‌ها را بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل می‌دانند. از نظر آن‌ها دولت‌ها تنها بازیگران عقلانی در عرصه سیاست جهانی هستند که به دنبال بیشینه کردن منافع خود هستند. حال این پرسش قابل طرح است که بازیگران غیردولتی در سیاست بین‌الملل چه نقشی دارند؟ از نظر واقع‌گرایان کنشگران غیردولتی همانند سازمان‌های بین‌المللی، اگرچه در امور بین‌المللی نقش ایفا می‌کنند، اما تأثیر فراوانی بر روندهای اصلی در روابط بین‌الملل نمی‌گذارند (Ozkan & Cetin, 2016:88) و رفتار بازیگران اصلی روابط بین‌الملل نیز اثر ناچیزی از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی خواهد گرفت (Mearsheimer, 1994:8).

رتالیست‌ها معتقدند آنچه دستاوردها را به دنبال خواهد داشت، قدرت است. در دنیای کنونی دولت‌ها بیشترین دستاوردها را کسب می‌کنند، چون در میان کنشگران بیشترین قدرت نظامی را دارند، مالیات اخذ می‌کنند و اقدام به انتشار پول می‌کنند. در حالی که سازمان‌های بین‌المللی هیچ‌یک از این ویژگی‌ها را دارا نیستند. و تنها در مواقعی با موفقیت عمل می‌کنند که از سوی قدرت‌های بین‌المللی پشتیبانی شوند (Barkin, 2015:8). از منظر واقع‌گرایان، سیاست بین‌الملل

۱. به عنوان نمونه بنگرید به:

Hartberg, Martin, Bowen, Dominic, Gorevan, Daniel, (2015), "Failing Syria: Assessing the impact of UN Security Council Resolutions in protecting and assisting civilians in Syria", Oxfam International.

به‌مثابه یک بازی مستمر و همیشگی است که هدف آن کسب هرچه بیشتر قدرت است و همکاری با سایر دولت‌ها یک متغیر مستقل به حساب نمی‌آید، بلکه متغیری وابسته به مؤلفه قدرت است (سازمند، ۱۳۸۸: ۱۲۱). برای واقع‌گرایان، اخلاق در سیاست بین‌الملل جایگاهی ندارد و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی تا جایی کارایی دارند که با منافع ملی دولت‌ها سازگاری داشته باشند. از دیدگاه نواقع‌گرایانی همچون مرشایمر، دولت‌ها در جهانی قرار دارند که مملو از تهدیدات است و دولت‌ها که تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند باید سهم خود را از قدرت جهانی حداکثر سازی کنند که این به معنای کسب قدرت به زیان دیگران و تهدید کردن آن‌هاست. اگرچه در تاریخ روابط بین‌الملل شاهد تنش‌زدایی نیز بوده‌ایم، اما این‌ها تلاش‌هایی برای کسب فرصت و استفاده از آن در فرصتی بهتر بوده‌اند. (مشیرزاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۲-۱۱۴). حتی نهادگرایان نیز هسته اصلی^۱ مکتب رئالیسم را می‌پذیرند، اما باور ندارند که در فضای آنارشی، همکاری دست‌یافتنی نیست. آنها معتقدند، نهادها و به‌خصوص سازمان‌های بین‌المللی بازیگران مستقلی هستند که به‌واسطه تشریح اطلاعات برای دولت‌ها، نگرانی آنها را از تهدیدات متقابل کاهش می‌دهند. در رد این نگرش، واقع‌گرایان در کنار انتقادات تجربی، کارکرد کسب اطلاعات را در فضای آنارشی کارا نمی‌دانند و اعتبار اطلاعات مبادله شده را به چالش می‌کشند. نهادگرایان اعتماد به سازمان‌های بین‌المللی را راهی برای کاهش آشفتگی و در مرحله بعد گسترش همکاری در نظام بین‌الملل می‌دانند. در مقابل رئالیست‌ها استدلال می‌کنند که نهادگرایان به اهمیت منفعت نسبی بی‌توجهی می‌کنند. در برابر انتقادات واقع‌گرایان، نهادگرایان با گذشت زمان توزیع نابرابر دستاوردها را به رسمیت شناختند^۲ (Keohane & Martin, 2003: 71-108). به‌رحال نباید در اختلاف بین رئالیسم و نئولیبرالیسم اغراق کرد، زیرا هر دوی آنها با این فرض آغاز می‌کنند که فقدان یک حاکمیت^۳ مرکزی است که همکاری بین دولت‌ها را در چهارچوب توافقات و خلق فرصت‌های جدید، دشوار می‌کند (Jervis, 1999: 45-59). از طرفی دول در موقعیت آنارشیک مبادرت به موازنه سازی می‌کنند. تا جایی که دولت‌ها به‌تنهایی یا گروهی از آن‌ها به آن اندازه قدرتمند نشوند که بتوانند به سایرین مسلط شوند یا برای امنیت و منافع ملی‌شان تهدیدی به وجود آورند. به این شیوه که قدرت این دولت‌ها را قدرت دولت یا دول مخالف خنثی می‌کند و موازنه می‌دهد. راه‌های موازنه سازی نیز شامل افزایش قدرت ملی، ایجاد مناطق حائل،

۱. Hard core

۲. الف) دول بازیگران اصلی در دنیای سیاست هستند؛ ب) دولت‌ها در نظام بین‌الملل عقلانی عمل می‌کنند؛ ج) آنها به دنبال منافع خود هستند و د) دولت‌ها در دنیای آنارشیک [که امکان همکاری به جزء در شرایط خاص وجود ندارد. ذکر این نکته ضروری است که در اینجا واقع‌گرایان به دو دسته حداقل‌گرا که معتقدند همکاری مگر در شرایط تهدیدآمیز صورت می‌پذیرد و منکر شوندگان که امکان هرگونه همکاری را انکار می‌کنند، تقسیم می‌شوند] بدون یک حکومت مشترک عمل می‌کنند.

۳. از این رو، کوهن در کتاب بعد از هژمونی می‌پذیرد که همکاری با منازعه و درگیری همراه است.

۴. اقتدار

مداخله در امور داخلی دیگران و ایجاد تفرقه میان متحدان مخالف است (سیف زاده، ۱۳۸۵، ص. ۵۹-۵۵).

در مجموع موازنه گرایی راهبردی چندبعدی و پیچیده در عرصه روابط بین‌الملل به محسوب می‌شود، که ابعاد چندگانه امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک دارد و برای دستیابی به آن از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی استفاده کرد (موسوی شفاپی و اسکندری، ۱۳۹۵: ۱۰۵). آنچه در این نوشتار به‌عنوان مبنای تحلیلی مدنظر است و در واقع اساس راهبرد موازنه سازی را شکل می‌دهد تلاش برای حفظ یا برهم زدن معادله قدرت به نفع خود و به ضرر دیگری، با حمایت از متحدان و تضعیف مخالفان است؛ بنابراین، چهارچوب نظری مقاله حاضر را راهبرد موازنه سازی شکل می‌دهد که ریشه در مکتب واقع‌گرایی دارد.

۲. عملکرد ایالات متحده در شورای امنیت در قبال دموکراسی خواهی در سوریه

مطابق ماده ۲۴ منشور ملل متحد، شورای امنیت مهم‌ترین سازمان مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌الملل است. طبق فصل ششم منشور سازمان ملل، شورای امنیت را مسئول توصیه به حل و فصل مسائل ارجاع شده می‌داند. فصل هفتم منشور نیز شورا وظیفه اقدام در موارد به خطر افتادن صلح، نقض صلح و تهاجم، را بر عهده دارد. در موارد این‌چنینی شورا به توصیه اکتفا نمی‌کند و از طریق مصوبات الزام‌آور و استفاده از اجبار اقدام می‌کند (آقایی و قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۰۸). از آغاز اوج‌گیری بحران در سوریه، آمریکا و متحدان غربی‌اش که عضو شورای امنیت نیز هستند، سعی کردند با پیگیری جدی در شورا، فشار بیشتری بر بشار اسد وارد آورند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۷۳)؛ بنابراین، این کشورها و به‌ویژه آمریکا سعی کردند تا در چهارچوب وظایف و اختیارات شورای امنیت حتی‌الامکان به تضعیف نظام سوریه بپردازند.

۲-۱. فشار بر حکومت سوریه در شورای امنیت ذیل فصل ششم

از ۱۴ آوریل ۲۰۱۲ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۶ در مجموع ۲۱ قطعنامه در شورای امنیت در موضوع سوریه صادر شده است (security council report, 2017). هم‌زمان با تشدید درگیری‌ها و در تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۲ نخستین قطعنامه شورای امنیت در خصوص سوریه صادر شد. در این قطعنامه (۲۰۴۲)، از کوفی عنان فرستاده سازمان ملل و اتحادیه عرب در مسئله سوریه و طرح صلح شش ماده‌ای وی حمایت شده بود. همچنین ضمن محکومیت نقض گسترده حقوق بشر توسط دولت سوریه و نیز گروه‌های مسلح، توقف هر چه سریع‌تر خشونت توسط طرفین دعوا درخواست شد. قطعنامه ۲۰۴۳، دومین قطعنامه شورای امنیت علیه سوریه، به فاصله یک هفته تصویب شد که به‌موجب آن هیئت نظارتی برای خاتمه درگیری‌ها و اجرای طرح کوفی عنان تعیین شد. علاوه بر این پیش‌نویس طرحی علیه دولت سوریه در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۱۲ به وسیله

روسیه و چین وتو شد. وجه ممیز این طرح با قطعنامه‌های پیش از آن، شناسایی دولت سوریه به‌عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین تعیین ضرب‌الاجل ۱۰ روزه برای اجرای بند ۴ قطعنامه توسط دولت بود که نادیده گرفتن آن زمینه اقدام بر اساس ماده ۴۱ منشور را فراهم می‌کرد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۷۴-۷۳).

جدول ۱. قطعنامه‌های مصوب سال ۲۰۱۲ در مورد سوریه با حمایت امریکا

شماره قطعنامه	تاریخ صدور قطعنامه	موضوع قطعنامه
۲۰۴۲	۱۴ آوریل ۲۰۱۲	این قطعنامه اجازه داد که ۳۰ ناظر نظامی راهی سوریه شود.
۲۰۴۳	۲۱ آوریل ۲۰۱۲	مجوز ۹۰ روزه کارگروه نظارت بین‌المللی بر سوریه شامل ۳۰۰ عضو نظامی و غیرنظامی صادر شد.
۲۰۵۹	۲۰ جولای ۲۰۱۲	این قطعنامه فعالیت کارگروه نظارت بین‌المللی بر سوریه را تا ۳۰ روز دیگر تمدید کرد.

در سال ۲۰۱۳ تنها یک قطعنامه (۲۱۱۳)، در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۳ تصویب شد، که به موجب آن، شورای امنیت ضمن تأکید به تشدید یک‌سویه فعالیت گروه‌های مسلح در منطقه حائل در مرز سوریه و اسرائیل، از دولت و مخالفان درخواست شد تا هم‌راستا با توافقات قبلی و عمل به قطعنامه ۳۳۸^۱ مصوب ۱۹۷۳ از ایجاد تنش بین سوریه و اسرائیل پرهیز کنند و دامنه فعالیت‌های نظامی را به این منطقه نکشاند (S/RES/2131, 18 December 2013). محتوای این قطعنامه نیز نشان‌دهنده پیگیری منافع راهبردی ایالات متحده در منطقه همچون حمایت از اسرائیل و محدود کردن دولت سوریه علی‌رغم نقض پیمان مخالفان مسلح است.

پنج قطعنامه متوالی ۲۱۳۹، ۲۱۶۵، ۲۱۷۰، ۲۱۷۸، ۲۱۹۱ شورای امنیت در سال ۲۰۱۴ شورای در موضوع سوریه تصویب شد، که با در نظر داشت کاهش شانس دستیابی به راه‌حل سیاسی، غالباً منعکس‌کننده دغدغه‌های اعضای شورای امنیت و به‌ویژه امریکا را بازتاب می‌دهند. موضوعاتی مانند افزایش گرسنگان، آوارگان و مهاجران، نقض حقوق بشر و قوانین بین‌المللی، مشخص کردن لیست گروه‌های تروریستی و درخواست از طرفین درگیری برای متوقف ساختن خشونت‌ها و تقویت افراط‌گرایی و تروریسم از مهم‌ترین نگرانی‌هایی است که در این قطعنامه‌ها مورد تأکید بوده است (security council report, 2017).

این قطعنامه‌ها که با تقاضا یا تأیید امریکا مصوب شدند، دولت سوریه و مخالفان را به یک اندازه مسئول یا مقصر می‌شناسند و حتی در مواردی دولت سوریه بیشتر مقصر شناخته شده است. به‌عنوان مثال در قطعنامه ۲۱۳۹ که به وسیله امریکا مطرح و پشتیبانی می‌شد، پیشنهاد شد که همه

۱. این قطعنامه به احتیاط در خصوص حفظ آتش‌بس میان سوریه و اسرائیل توصیه می‌کند.

گروه‌ها به خصوص دولت سوریه در مناطق درگیری و در محاصره اجازه دستیابی به کمک‌های بشردوستانه را بدهند (S/RES/2139, 22 February 2014).

جدول ۲. قطعنامه‌های مصوب سال ۲۰۱۴ در مورد سوریه با حمایت امریکا

شماره قطعنامه	تاریخ صدور قطعنامه	موضوع قطعنامه
۲۱۳۹	۲۲ فوریه ۲۰۱۴	این قطعنامه از همه گروه‌ها به خصوص دولت سوریه خواست تا در مناطق جنگی و محاصره شده و مرزی اجازه دسترسی‌های بشردوستانه را صادر کنند.
۲۱۶۵	۱۴ جولای ۲۰۱۴	در این قطعنامه، جواز عبور از خط مرزی و دسترسی به نواحی درگیری به سازمان ملل در راستای ارسال کمک‌های بشردوستانه بدون مجوز دولت سوریه فراهم شد.
۲۱۷۰	۱۵ آگوست ۲۰۱۴	به موجب این قطعنامه گرویدن مبارزان خارجی به داعش و النصره محکوم شد.
۲۱۷۸	۲۴ سپتامبر	قطعنامه مزبور میدان مبارزه با تروریسم را با لحاظ تعهداتی برای جنگ با مبارزان خارجی فراخ‌تر نمود.
۲۱۹۱	۱۷ دسامبر	به موجب این قطعنامه مجوز ارسال کمک‌های بشردوستانه به مناطق مرزی تا ۱۰ ژانویه تمدید شد.

در سال ۲۰۱۵ نیز در مجموع شش قطعنامه شورای امنیت در مسئله سوریه تصویب شد. این قطعنامه‌ها در موقعیتی به تصویب رسیدند که داعش و جبهه النصره در این سال بر دامنه جنایت‌های خود افزوده بودند. از سوی دیگر حمله شیمیایی به ادلب نیز در همین سال رخ داد. از این روی سه مرد از شش قطعنامه مصوب در محکومیت اقدامات گروه‌های تروریستی و دو مورد نیز در محکومیت استفاده از تسلیحات شیمیایی و نیز شیوه تعیین مسئول این حملات بود، اما قابل توجه‌ترین قطعنامه سال ۲۰۱۵ قطعنامه ۲۲۵۴ بود که به اتفاق آرا در ۱۸ دسامبر به تصویب رسید. این اولین قطعنامه‌ای بود که به موجب آن گزینه راه‌حل سیاسی برای بحران سوریه مطرح شد ((security council report, 2017). مطابق بند ۴ این قطعنامه بنا شد تا در طی فرایند سیاسی سوری تحت نظر سازمان ملل و در مهلت شش‌ماهه، دولتی غیر فرقه‌ای معتبر و فراگیر تشکیل شود. همچنین روند انتخابات آزاد و عادلانه و آماده‌سازی پیش‌نویس قانون اساسی جدید طی مدت ۱۸ ماه و با نظارت سازمان ملل به انجام برسد. همچنین مقرر شد تا آتش‌بس و فرایند سیاسی توأمان باشند (S/RES/2254, 18 December 2015).

جدول ۳. قطعنامه‌های مصوب سال ۲۰۱۵ در مورد سوریه با حمایت امریکا

شماره قطعنامه	تاریخ صدور قطعنامه	موضوع قطعنامه
۲۱۹۹	۱۲ فوریه ۲۰۱۵	این قطعنامه در موضوع درآمدهای غیرقانونی النصره و داعش از طریق کمک‌های خارجی، فروش نفت، قاچاق میراث فرهنگی و فروش برده بود.
۲۲۰۹	۶ مارس ۲۰۱۵	به موجب این قطعنامه به‌کارگیری مواد شیمیایی مانند کلر را محکوم کرد و بی‌آنکه طرف مقصر را مشخص کند، بر پاسخ‌گو بودن مسئول این حوادث تأکید کرد.
۲۲۳۵	۷ آگوست ۲۰۱۵	این قطعنامه پیشنهاد داد که برای تعیین مسئول حملات شیمیایی در سوریه، یک سازمان مشترک تحقیقاتی مشخص شود.
۲۲۴۹	۲۰ نوامبر ۲۰۱۵	در این قطعنامه برای جلوگیری از اقدامات تروریستی گروه داعش و وابستگان به القاعده از کشورهای عضو خواسته شده تا اقدامات لازم را در قلمرو تحت کنترل داعش انجام دهند.
۲۲۵۴	۱۸ دسامبر ۲۰۱۵	در این قطعنامه برای نخستین بار بر یک‌راه حل سیاسی برای سوریه تأکید شد.
۲۲۵۸	۲۲ دسامبر ۲۰۱۵	با تصویب این قطعنامه مجوز مبارزه با تروریست‌های داخلی و خارجی و همچنین کمک‌های بشردوستانه بی‌اطلاع دولت سوریه تا ژانویه ۲۰۱۷ تأیید شد.

شش قطعنامه شورای امنیت نیز در سال ۲۰۱۶ در موضوع سوریه تصویب شد. این قطعنامه‌ها محتوای تازه‌ای نداشتند. این قطعنامه‌ها طرفین را به گفت‌وگوهای سیاسی ترغیب کردند و از اقدامات میانجی‌گرانه کشورهایمانند ترکیه و روسیه قدردانی کردند و همچنین مهلت مفاد قطعنامه‌های قبلی را تمدید کردند (security council report, 2016).

جدول ۴. قطعنامه‌های مصوب سال ۲۰۱۶ در مورد سوریه با حمایت امریکا

شماره قطعنامه	تاریخ صدور قطعنامه	موضوع قطعنامه
۲۲۶۸	۲۶ فوریه ۲۰۱۶	این قطعنامه خواستار بازگرداندن مذاکرات سیاسی شد و از پایان دادن به خصومت‌ها حمایت کرد.
۲۳۱۴	۳۱ اکتبر ۲۰۱۶	این قطعنامه جواز مکانیسم تحقیق مشترک UN-OPWC را تا ۱۸ نوامبر ۲۰۱۶ تمدید کرد.
۲۳۱۹	۱۷ نوامبر ۲۰۱۶	به موجب این قطعنامه مجوز مکانیسم تحقیق مشترک UN-OPWC یک سال دیگر تمدید شد.
۲۳۲۸	۱۹ دسامبر ۲۰۱۶	به موجب این قطعنامه نظارت سازمان ملل به بر تخلیه حلب درخواست شد.
۲۳۳۲	۲۱ دسامبر ۲۰۱۶	این قطعنامه مجوز ارسال کمک‌های بشردوستانه را تا ۱۰ ژانویه ۲۰۱۸ را تمدید نمود.
۲۳۳۶	۳۱ دسامبر ۲۰۱۶	در این قطعنامه از روسیه و ترکیه به دلیل آغاز روند سیاسی در سوریه و تلاش در جهت پایان خشونت‌ها تقدیر شد.

در مجموع، بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت با موضوع سوریه، نشان می‌دهد که هرکدام به نحوی نقض حقوق بشر در سوریه را محکوم می‌کنند و در سنجش مسئول و مقصر خشونت‌ها، دولت سوریه و گروه‌های مسلح و تروریستی را در یک کفه ترازو قرار می‌دهند و ضمن محکومیت طرفین درگیری در مواردی دولت سوریه را به‌عنوان مسئول اصلی نقض حقوق بشر معرفی کرده‌اند.

۲-۲. تلاش ایالات متحده در جهت محکومیت دولت سوریه در شورای امنیت

مقامات امریکایی مدعی‌اند که دفاع از حقوق بشر و جلوگیری از خشونت نقشی محوری در راهبرد امنیت ملی امریکا دارد. در ۴ اوت ۲۰۱۱ اوپاما دستورالعملی صادر کرد که در آن با توجه دادن به مسئولیت اخلاقی امریکا، دستور داد تا هیئتی اجرایی برای جلوگیری از خشونت‌ها در سوریه تشکیل شود. ایالات متحده امریکا بر پایه طرح مسئولیت برای حفاظت ۱، به دنبال خاتمه خشونت‌ها و استقرار دموکراسی در سوریه بوده است. به‌عنوان نمونه در تاریخ ۵ اوت ۲۰۱۱ رئیس‌جمهور اوپاما توجه بین‌المللی را به گزارش وحشت‌آوری در زمینه سوریه جلب کرد که با گذشت دو هفته انگلیس، آلمان، فرانسه و اتحادیه اروپا خواستار برکناری اسد شدند (Renner, 2015: 23).

همچنین از تاریخ ۴ اکتبر ۲۰۱۱ تا ۱۲ آوریل ۲۰۱۷، روی هم‌رفته پیش‌نویس ۱ قطعنامه ضد سوری از سوی امریکا در شورای امنیت مورد حمایت قرار گرفته که در اغلب آن‌ها نام ایالات متحده در میان پیشنهاددهندگان دیده می‌شود. بررسی محتوایی این قطعنامه‌ها که بلااستثنا توسط چین و روسیه و تو شدند، نشان از پیگیری امریکا در جهت تحریم و فراهم آوردن زمینه حمله نظامی به سوریه و اعمال فشار و مزوی‌سازی سیاسی این کشور، از مجرای شورای امنیت دارد (security council report, 2017).

جدول ۵. پیش‌نویس هشت قطعنامه و تو شده ضد سوری پیشنهادی امریکا

تاریخ جلسه	موضوع پیش‌نویس
۴ اکتبر ۲۰۱۱	این پیش‌نویس سرکوب مخالفان در سوریه را محکوم می‌نمود.
۴ فوریه ۲۰۱۲	این طرح ضمن محکومیت خشونت در سوریه از طرح انتقال سیاسی در سوریه که از سوی اتحادیه عرب ارائه شده بود، حمایت می‌کرد.
۱۹ جولای ۲۰۱۲	موضوع این پیش‌نویس قطعنامه نظارت بین‌المللی در سوریه بود و به موجب آن زمینه اقدامات بعدی ذیل فصل هفتم منشور فراهم می‌آمد.
۲۲ می ۲۰۱۴	این پیش‌نویس سوریه را به ICC فرامی‌خواند. همه اعضای دیگر شورا به نفع ارجاع رأی دادند که با وتوی روسیه و چین لغو شد.
۱۸ اکتبر ۲۰۱۶	این پیش‌نویس قطعنامه خواستار توقف هرگونه عملیات نظامی در حلب بود که به وسیله روسیه و تو شد.

1. Responsibility To Protect

۵ دسامبر ۲۰۱۶	این پیش‌نویس به دنبال خاتمه حملات به حلب در مدت یک هفته بود.
۲۸ فوریه ۲۰۱۷	در این طرح دولت سوریه مسئول حملات شیمیایی معرفی شده بود.
۱۲ آوریل ۲۰۱۷	این پیش‌نویس ضمن مقصر دانستن دولت سوریه در مورد حملات شیمیایی ۴ آوریل اقدام علیه حکومت سوریه ذیل فصل هفتم منشور را توجیه می‌کرد که توسط روسیه و تو شد.

۳. عملکرد ایالات متحده در شورای امنیت در قبال دموکراسی خواهی در بحرین

پس از آغاز بزرگ‌ترین جنبش اعتراضی تاریخ بحرین معترضان به صورت مسالمت‌آمیز خواهان اصلاحات دموکراتیک، پایان دادن به فساد و احترام به حقوق بشر شدند که با سرکوب سرسختانه پلیس مواجه شدند. همچنین با گذشت یک ماه از آغاز تظاهرات، عربستان و امارات با دخالت نظامی و اعلام حکومت نظامی ده‌ها هزار معترض را سرکوب کردند. صدها نفر بازداشت، شکنجه و با رأی دادگاه نظامی محکوم شدند. چندین نفر از بازداشت‌شدگان در زندان‌های آژانس امنیت ملی کشته شدند. عده فراوانی از دستگیرشدگان با حکم سنگین ۱۷ سال حبس مواجه شدند. تا به امروز تقریباً ۳۵۰ نفر از معترضان کشته شده‌اند. با گذشت ۶ سال، اوضاع به شکل فزاینده‌ای بدتر شده است. در حال حاضر نقض حقوق بشر به جزئی از قانون بحرین تبدیل شده است. از ژانویه ۲۰۱۷ آژانس امنیت ملی وظیفه بازداشت و بازجویی معترضان عهده‌دار شده است و دولت خواهان اصلاحات قانون اساسی است تا دادرسی نظامی برای شهروندان غیرنظامی قانونی شود (Bahrain center for human rights, 14 FEB 2017).

در سال اول اعتراضات ۴۰ نفر از معترضان کشته شدند. هم‌زمان با دخالت‌های نظامی عربستان و امارات سازمان دیده‌بان وضعیت حقوق بشر در بحرین را سرکوب نهادینه توصیف نمود. چنین موقعیتی ضرورت جامعه بین‌المللی و در صدر آن سازمان ملل را الزامی می‌نمود (میرزایی، صدری علی بابالو، ۱۳۹۳: ۱۲۸). با این حال و با وجود خشونت نظام‌مند و جنایات گسترده دولت بحرین در سرکوب شهروندان، تاکنون هیچ واکنشی از سوی امریکا در شورای امنیت در جهت محکومیت سرکوب‌گری دولت بحرین مشاهده نشده است.

بررسی اسناد شورای امنیت نشان می‌دهد که بعد از تأسیس بحرین در سال ۱۹۷۱ تاکنون تنها دو قطعنامه ۲۷۸، ۲۹۶ آن هم در آغازین سال استقلال در مورد این کشور تصویب شده‌اند. نکته قابل توجه اینکه از آغاز بحران در سال ۲۰۱۱ نیز حتی یک قطعنامه در مورد بحرین مصوب نشده است (UNITED NATION SECURITY COUNCIL DOCUMENTS, 2017). جالب‌تر اینکه هیچ‌گونه جلسه یا پیش‌نویس قطعنامه‌ای در شورای امنیت در موضوع سوریه برگزار نشده است و بدیهی است که امریکا نیز که از اعضای اصلی شورای امنیت است نقض حقوق بشر در بحرین را مغفول گذاشته است.

(UNITED NATION SECURITY COUNCIL MEETINGS, 2017)

۴. پیگیری راهبرد موازنه سازی ایالات متحده در شورای امنیت در مورد سوریه و بحرین

در نظریه پردازي عملکرد و نقش سازمان‌های بین‌المللی دو رویکرد کلان وجود دارد. رویکرد اول که رویکرد اقتصادی است الهام گرفته از عقلانیت ابزاری، بهره‌وری و کارآمدی را اصل قرار می‌دهد، اما در رویکرد دوم که جامعه‌شناسانه است بر مسائلی همچون مشروعیت و قدرت تکیه می‌شود. در رهیافت اقتصادی اساس بینش اقتصادی مبادله، رقابت و صبر بر ناخوشی‌ها با هدف رسیدن به بهره‌وری، زیست جهان قالبی را می‌سازند که توجیه‌گر تأسیس و معیار قضاوت عملکرد سازمان‌های بین‌المللی است، اما در رویکرد اجتماعی، مطالعه سازمان‌ها با چهارچوب مفهومی پیچیده‌تری از اصل مبادله تحلیل می‌شوند. در این بینش سازمان‌های بین‌المللی به‌منابه «واقعیت اجتماعی» مطالعه می‌شوند، اما در خصوص کارکرد آن‌ها و اینکه آن‌ها به آنچه وظیفه دارند یا مدعی هستند عمل می‌کنند یا خیر را نه به‌عنوان پیش فرضی نظری، بلکه پرسشی تجربی در نظر می‌گیرند (Barnett and Finnemore, 1999: 702-703).

نظریه واقع‌گرایی نیز با تأکید بر تبیین رفتار تجربی کشورها در مطالعه سازمان‌های بین‌المللی بیش و پیش از عناصر فرهنگی و هنجاری برای منافع مادی را تعیین‌کننده می‌داند. مطالعه عملکرد شورای امنیت و به‌طور خاص امریکا نشان داد که رویکرد منفعت محور بر رویکرد ارزشی و هنجاری که در آن موضوعاتی همچون دموکراسی و حقوق بشر حائز اهمیت است؛ برتری دارد. در ادامه تلاش می‌شود تا با به‌کارگیری چهارچوب نظری موازنه راهبردی به تبیین چگونگی و چرایی در پیش گرفتن رویه مزبور از سوی امریکا در شورای امنیت در زمینه سوریه و بحرین پرداخته شود.

منطقه غرب آسیا به دلایل گوناگون و در دوره‌های مختلف تاریخی مورد توجه و میدان رقابت قدرت‌های بزرگ در جهت کسب منافع ملی بوده است. منطقه غرب آسیا شاهراه ارتباطی و محل تلاقی قاره‌های اوراسیا و افریقا است. این موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه سبب اهمیت منطقه چه در زمان جنگ و چه در زمان جنگ شده است. در زمان صلح مبادله کالا بین قاره‌ها و در زمان جنگ عبور نظامیان مستلزم عبور از این منطقه است. همچنین ۷۰ درصد انرژی دنیا در پیرامون این منطقه واقع شده است که این مسئله نیز از انگیزه‌های اصلی حضور و دخالت پررنگ کشورهایی همچون امریکا بوده است (شفیعی عربی، ۱۳۸۷: ۹۰-۹۳).

در زمینه توجه دادن به اهمیت دو کشور سوریه و بحرین در این منطقه نیز شایان ذکر است که بحرین به چند دلیل در نزد امریکایی‌ها اهمیت دارد. مورد اول به موقعیت خاص نظامی و ژئوپلیتیکی این کشور بازمی‌گردد که به همین دلیل پایگاه پنجم نیروی دریایی امریکا در این مجمع‌الجزیره جای گرفته است.

موضوع دیگری که بیانگر توجه امریکا به بحرین است بر عهده گرفتن نقش مالی در طرح خاورمیانه بزرگ بوده است که بر این مبنای بحرین مرکزیت بانکی - مالی بالغ بر ۲۰۰۰ شعبه بانکی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در خود جای داده است و همچنین این کشور نزدیک به ۹۰ شعبه بیمه منطقه‌ای و بین‌المللی فعال دارد (رضایی و جهانیان، ۱۳۹۳: ۱۸۸-۱۹۲). نگرانی از نفوذ منطقه‌ای ایران به عنوان تهدید منطقه‌ای امریکا و نزدیکی بحرین به عربستان سعودی به عنوان یکی از مهم‌ترین متحدان منطقه‌ای امریکا دیگر دلیل جهت دهنده به رفتار امریکا در ارتباط با بحرین است (رضایی و جهانیان، ۱۳۹۳: ۱۹۵-۱۹۶).

در مورد اهمیت سوریه نیز می‌توان به خصم قدیمی و ریشه‌دار همسایگان رژیم صهیونیستی که مهم‌ترین متحد امریکا در منطقه است، اشاره کرد که از این رو سوریه تهدیدی بنیادین برای امنیت وجودی این رژیم است. از این جهت، دخالت امریکا در سوریه ضروری می‌نماید. از سوی دیگر نوعی اتفاق استراتژیک بین سوریه و روسیه که از بزرگ‌ترین نیروهای رقیب امریکاست، وجود دارد که به این معنا سوریه هم از منظر موقعیت سوق‌الجیشی و هم به لحاظ قرارگیری در ائتلاف سیاسی بین‌المللی مخالف در منطقه برای امریکا اهمیت دارد (اشرفی و بابازاده، ۱۳۹۴: ۴۸-۵۵). در همین رابطه از سال ۲۰۰۰ که بشار اسد قدرت را در سوریه به دست گرفته، ضمن همکاری با ایران و کنشگرانی همچون حزب‌الله و حماس، در جهت تقابلی پیچیده با متحدان عرب و رژیم صهیونیستی حرکت کرده است. همچنین اتحاد مسبوق بین این کشور با سوریه با همان استحکام قبلی و بدون تغییر مانده است (sharp, Blanchard, 2012)؛ بنابراین، منطقی به نظر می‌رسد که امریکا برای حفظ منافع راهبردی خود در منطقه و دو کشور پیش‌گفته تلاش کند و از بر هم خوردن ساختار سیاسی منطقه به نفع ائتلاف رقیب جلوگیری به عمل آورد.

از این رو می‌توان مدعی شد که در پیش گرفتن سیاست موازنه راهبردی در منطقه به واسطه حراست و حمایت از شرکایی همچون رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی و کمک به تداوم حیات سیاسی دولت‌های همسو و مستبده همانند بحرین تحقق می‌یابد. همچنین پیشگیری از شکل گرفتن و بقای دولت‌های ضد امریکایی در سوریه و بحرین در جهت گسترش ائتلاف ضد امریکایی از دیگر مؤلفه‌های سیاست موازنه راهبردی است؛ بنابراین، مسکوت گذاشتن پرونده بحرین در شورای امنیت در کنار تلاش‌های امریکا در شورای امنیت در جهت فشار و محکومیت دولت سوریه هر دو از منطبق سیاست قدرت و در راستای راهبرد موازنه قابل تحلیل است.

دستگاه سیاست خارجی امریکا در کنار فشارهای دیپلماتیک که از مجرای شورای امنیت به دولت سوریه وارد می‌آورد، به تحریم و دخالت نظامی نیز می‌پرداخت. دولت اواما از اوت ۲۰۱۱ به دنبال خلع قدرت از دولت بشار اسد بوده و در راه رسیدن به این منظور برای محکومیت سوریه شورای امنیت را تحت فشار قرار می‌داد. علاوه بر آن به صورت رسمی به طیفی از مخالفان مسلح

که به رسمیت شناخته است، کمک‌های مالی و نظامی می‌کند (sharp and Blanchard, 2013: 1).

اما واکنش امریکا نسبت به دولت بحرین تفاوت اساسی داشت. با وجود خشونت سازمان‌یافته و اقدامات ضد بشری علیه شهروندان غیر مسلح که مطالبات مسالمت‌جویانه داشتند، نه تنها هیچ‌گونه تلاشی در راستای تقبیح رفتار دولت بحرین یا صدور قطعنامه الزام‌آور علیه آن انجام نداده است، بلکه به حمایت‌های گوناگون از آل خلیفه اقدام کرده است. تا جایی که مقامات امریکایی از اذعان به چنین مواضعی ابایی هم ندارند و رسماً از آل خلیفه پشتیبانی می‌کنند.

به‌عنوان نمونه رئیس‌جمهور اوپاما در سخنرانی که در سال ۲۰۱۱ در مورد منطقه غرب آسیا ایراد کرد، توجهات را به روابط دیرینه امریکا و بحرین جلب کرد و ضمن اعلام این مطلب که ایران به دنبال دخالت در بحرین و اعمال نفوذ در این کشور است، تعهد خود را نسبت به حفظ امنیت و آرامش در این کشور گوشزد نمود. اوپاما همچنین در اجلاس عمومی سال ۲۰۱۱ در سازمان ملل، کوشش‌های آل خلیفه را در ایجاد اصلاحات سیاسی مورد قدرانی قرار داد، بی‌آنکه کوچک‌ترین اشاره‌ای به خشونت‌ها و سرکوبگری آل خلیفه در مواجهه با جنبش مردمی بحرین داشته باشد (رضایی و جهانیان، ۱۳۹۳: ۱۹۵-۱۹۶).

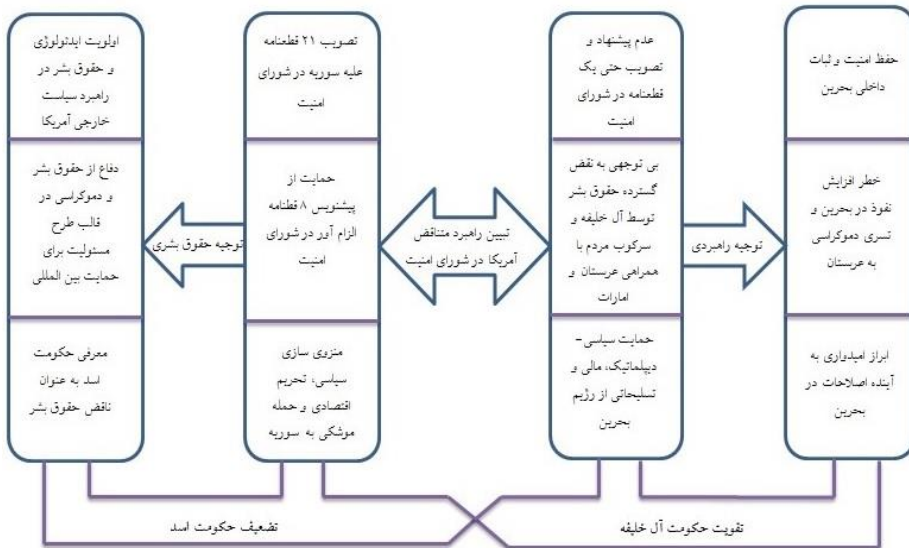
اگرچه امریکا در آغاز ناآرامی‌های بحرین تا حدی بی‌طرفانه رفتار می‌کرد، اما هر چه زمان گذشت و اعتراضات گسترده‌تر شد، پشتیبانی‌های این کشور از آل خلیفه قوت گرفت (cooper and others, 2014, 371).

مقامات امریکایی از سویی به خشونت و سرکوبگری آل خلیفه بی‌توجهی نشان می‌دهند و از دیگر سو به مقامات بحرینی پیشنهاد گفت‌وگوی ملی می‌دهند. هیلاری کلینتون وزیر خارجه امریکا در سفری که در ماه دسامبر سال ۲۰۱۰ به بحرین داشت، ابراز کرد که تحت تأثیر مسئولیت‌پذیری دولت این کشور در راه رسیدن به مردم‌سالاری قرار گرفته است. این اظهارات در شرایطی عنوان می‌شد که ژست‌های طرفداری از دموکراسی و حقوق بشر این توقع را به وجود می‌آورد که سرکوب‌گری آل خلیفه را در مجامع جهانی همچون شورای امنیت یا شورای همکاری خلیج فارس محکوم کند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

گذشته از اینکه امریکا تمایلی به محکوم کردن دولت بحرین در شورای امنیت سازمان ملل ندارد، به پشتیبانی از آل خلیفه نیز می‌پردازد. چنان‌که سازمان دیده‌بان حقوق بشر از کمک ۱۵ میلیون دلاری به کنگره بحرین و پیشنهاد فروش ۵۳ میلیون دلار تسلیحات از سوی وزارت دفاع امریکا خبر داد (میرزایی و صدری علی بابالو، ۱۳۹۳: ۱۲۶). در واقع آن‌چنان‌که از نظرات استراتژیست‌های امریکایی نیز برمی‌آید، پیگیری منافع راهبردی در سیاست خارجی امریکا نسبت پیروی از ایدئولوژی‌هایی همچون دموکراسی و حقوق بشر اولویت دارد و امریکا باید متناسب با موقعیت و ظرفیت‌های منطقه به صورت گزینشی از راهبردهای ایدئولوژیک یا سیاست قدرت در

جهت حفظ موقعیت و جایگاه خود بهره ببرد (جعفری و منفرد، ۱۳۹۰: ۴۲). در تصویر زیر خلاصه‌ای از آنچه گفته شد آمده است.

نگاره ۱. موازنه راهبردی امریکا در قبال دموکراسی خواهی در سوریه و بحرین در شورای امنیت



نتیجه گیری

هدف از نگارش این مقاله مشخص کردن میزان موفقیت شورای امنیت در حراست از حقوق بشر و تأثیر درگیری‌های قدرت‌های بزرگ در ناکارآمدی شورای امنیت نبود، بلکه بر این موضوع تمرکز شد که چگونگی و چرایی رفتار دوگانه و متناقض یکی از اعضای اصلی و متنفذ شورای امنیت (ایالات متحده امریکا)، در قبال بحران گذار به دموکراسی در سوریه و بحرین مورد تبیین قرار گیرد. جالب توجه است که امریکا در حالی نقض گسترده حقوق بشر در بحرین را نادیده می‌گیرد و هرگونه سرکوبی از سوی اسد را در شورای امنیت به شدت محکوم می‌کند که از جهات بسیاری وضعیت نقض حقوق بشر در بحرین توجیه‌ناپذیرتر از سوریه است.

در درجه اول مخالفان آل خلیفه اعتراض مسالمت‌آمیز داشتند، برخلاف سوریه که اعتراضات به خشونت مسلحانه رسید. مطلب دوم اینکه در سوریه گروه‌های تروریستی مسلح فعال هستند که احتمال دارد جایگزین دولت اسد شوند در صورتی که در بحرین گروه‌های سیاسی سابقه فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز دارند و هیچ‌گونه خشونتی علیه شهروندان اعمال نمی‌کنند. سومین دلیل توجیه‌ناپذیری رویکرد دوگانه امریکا این است که در بحرین هر چه از آغاز تظاهرات و ناآرامی‌ها گذشت شکاف مردم و آل خلیفه گسترده‌تر شد، اما در سوریه تشدید درگیری‌ها موجب افزایش اقبال عمومی به حکومت اسد شد. چهارمین نقطه اختلاف سوریه و بحرین به این نکته برمی‌گردد

که در سوریه نیروهای نظامی مزدور خارجی فعال هستند، اما در بحرین تنها شهروندان بومی بحرین اعتراضات خود را متوجه دولت می‌کنند.

نقطه اختلاف پنجم اوضاع دو کشور مربوط به نحوه مواجهه با معترضین در دو کشور است که بشار اسد ضمن پذیرش اصل انتقال سیاسی در گام اول حاضر به پذیرش برگزاری انتخابات ریاست جمهوری شد، اما در بحرین پس از ناآرامی‌ها آل خلیفه نه تنها هیچ‌گونه اصلاحات سیاسی را برنتافت، بلکه قوانین سرکوبگرانه سخت‌گیرانه‌ای را نیز به تصویب رساند و اجرا کرد.

از مجموع این شرایط چنین برمی‌آید که پایداری رژیم اسد بیشتر از آل خلیفه تأمین‌کننده مصالح شهروندان و حرکت در مسیر دموکراسی و حفظ حقوق بشر بوده است و امریکا در جهت تأمین منافع خود و به اجرا گذاردن سیاست موازنه راهبردی به پیگیری چنین رویکرد دوگانه‌ای مبادرت کرده است. همچنان که رویکرد نظری واقع‌گرایی در مورد کارکرد و نقش سازمان‌های بین‌المللی تأکید شده است، تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی عمدتاً تأمین‌کننده منافع قدرت‌های بزرگ است. این قاعده به‌خصوص با ساختار، ویژگی‌ها و عملکرد شورای امنیت، تناسب دارد. بر همین اساس، به اجرا گذاردن راهبرد موازنه سازی از سوی ایالات متحده امریکا در منطقه غرب آسیا نشان‌گر اولویت منافع راهبردی این کشور نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی و از این مجرا تلاشی سازمان‌یافته برای اعمال نفوذ در جهت کژکارکردی شورای امنیت بوده است.

کتابنامه

۱. ابراهیمی، شهرز؛ صالحی، محمدرضا؛ پارسایی، سید مهدی. (۱۳۹۱). بررسی واکنش‌های امریکا و عربستان به خیزش مردمی در بحرین. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۰، ۱۱۱-۱۴۳.
۲. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله. (۱۳۹۴). رویکرد شورای امنیت در مواجهه با کشور اسلامی سوریه (۲۰۱۶-۲۰۱۱). *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۵(۴)، ۵۱-۸۶.
۳. اشرفی، اکبر؛ بابازاده جودی، امیر سعید. (۱۳۹۴). سیاست خارجی روسیه و امریکا نسبت به بحران سوریه. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۸(۳۲)، ۴۳-۶۵.
۴. آقای، سید داوود؛ قاسمی، فائزه. (۱۳۹۲). راهکار پیشنهادی برای اصلاح شورای امنیت سازمان ملل. *فصلنامه سیاست*، ۳(۴۳)، ۱۰۷-۱۲۲.
۵. جعفری، علی‌اکبر؛ منفرد، سید قاسم. (۱۳۹۰). رفتار سنجی امریکا در قبال دومینوی انقلاب‌های خاورمیانه. *فصلنامه آفاق امنیت*، ۴(۱۱)، ۳۹-۵۶.
۶. رضایی، مسعود؛ جهانیان، شهاب. (۱۳۹۳). انقلاب بحرین، بیداری اسلامی و علل ناکامی آن. *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۵(۳۶)، ۱۸۳-۲۰۲.

۷. سازمند، بهاره. (۱۳۸۷). مطالعه سازمان‌های بین‌المللی از چشم‌انداز تئوریک. فصلنامه سیاست، دوره ۳۸(۲)، ۱۱۹-۱۳۹.
۸. سیف زاده، سید حسین. (۱۳۸۵). اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، تهران: نشر میزان.
۹. شفیع عربی، میرعلی. (۱۳۸۷). اهمیت منطقه خاورمیانه و بررسی اجمالی طرح خاورمیانه بزرگ. فصلنامه فضای جغرافیایی، ۲۳، ۸۳-۱۱۴.
۱۰. صراف یزدی، غلامرضا؛ ساجدی محمود. (۱۳۹۵). مقایسه کارکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در برابر دگرگونی‌های سیاسی در لیبی و سوریه. فصلنامه سیاسی - اقتصادی اطلاعات، ۳۰۳، ۶۴-۷۳.
۱۱. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۰). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. موسوی شفایی، سید مسعود؛ اسکندری، سعیده. (۱۳۹۵). راهبرد موازنه گرایی هند در تعامل با ایران و امریکا. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱(۲۰)، ۹۷-۱۲۱.
۱۳. میرزایی، جلال؛ صدری علی بابالو، صیاد. (۱۳۹۳). کارکرد سازمان دیده‌بان حقوق بشر در قبال تحولات بحرین. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۳(۹)، ۱۱۷-۱۳۵.

References

1. Sharp, Jeremy and Blanchard, Christopher, (2012), " Syria: Unrest and U.S. Policy", *CRS Report for Congress*.
2. Ebrahimi, Shahrooz; Salehi, Mohammad Reza; Parsai, Seyed Mehdi (1391). Examining the reactions of the United States and Saudi Arabia to the popular uprising in Bahrain. *Journal of Political and International Research*, 10, 111-143.(in Persian)
3. Sarraf Yazdi, Gholamreza; Sajedi, Mahmood. (2016), Comparing the Functioning of the UN Security Council in the Face of Political Change in Libya and Syria. *Political-Economic Quarterly of Information*, 303, 64-73. (in Persian)
4. Mushirzadeh, Homeira. (1390). Evolution in theories of international relations, Tehran: Samat Publications. (in Persian)
5. Mousavi Shafaei, Seyed Massoud; Eskandari, Saeedeh. (1395). India's Balancing Strategy in Interaction with Iran and the United States. *Quarterly Journal of International Relations Research*, 1 (20), 97-121. (in Persian)
6. Mirzaei, Jalal; Sadri Ali Babalu, hunter. (1393). The role of Human Rights Watch in the face of developments in Bahrain. *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, 3 (9), 117-135. (in Persian)
7. Abolhassan Shirazi, Habibullah. (1394). Security Council approach to the Islamic State of Syria (2016-2011). *Islamic World Political Research Quarterly*, 5 (4), 51-86. (in Persian)
8. Ashrafi, Akbar; Babazadeh Judi, Amir Saeed. (1394). Russia and US foreign policy on the Syrian crisis. *Quarterly Journal of International Relations Studies*, 8 (32), 43-65. (in Persian)

9. Aghaei, Seyed Davood; Qasemi, Faezeh. (1392). Proposed solution to reform the UN Security Council. *Politics Quarterly*, 43 (3), 107 - 122. (in Persian)
10. Jafari, Ali Akbar; Monfared, Seyed Qasim (1390). American Behavior in the Domino of Middle Eastern Revolutions. *Security Horizons Quarterly*, 4 (11), 39-56. (in Persian)
11. Rezaei, Massoud; Jahanian, Shahab. (1393). The Bahraini revolution, the Islamic awakening and the causes of its failure. *Islamic Revolution Studies Quarterly*, 15 (36), 183-202. (in Persian)
12. Sazmand, Bahareh. (1387). Study of international organizations from a theoretical perspective. *Quarterly Journal of Politics*, Volume 38 (2), 119-139. (in Persian)
13. Seifzadeh, Seyed Hossein. (1385). *Principles of International Relations (A and B)*, Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
14. Shafi'i Arabi, Mir Ali. (1387). The importance of the Middle East region and an overview of the Greater Middle East Plan. *Geographical Space Quarterly*, 23, 83-114. (in Persian)
15. Adams, Simor, (2015), "Failure to Protect: Syria and the UN Security Council", **Global Centre for the Responsibility to Protect Occasional Paper Series**, 13.
16. Bahrain Center for human right, (14 FEB 2017), " Bahrain: Human Rights Crisis Deepened Since Protests Began Six Years Ago Today ", <http://bahrainrights.org/en/node/8520>.
17. Barkin, J. (2015). *International organization: theories and institutions*. Springer. ISBN 1-4039-7248-6—ISBN 1-4039-7250-8 (pbk.).
18. Barnett, M. N., & Finnemore, M. (1999). The politics, power, and pathologies of international organizations. **International organization**, 53(4), 699-732.
19. cooper, Carla humud and Blanchard, Christopher and nikitin, mary beth, (2016), "armed conflict in Syria: overview and u.s. response", **crs report for congress**.
20. Hartberg, Martin, Bowen, Dominic, Gorevan, Daniel, (2015), "**Failing Syria: Assessing the impact of UN Security Council Resolutions in protecting and assisting civilians in Syria**", Oxfam International
21. <https://freedomhouse.org/report/freedom-press/freedom-press-2016?gclid=CN34IYbJ29ECFQmewAod8wYGmg>
22. <https://rsf.org/en/news/iran-creates-halal-internet-control-online-information>
23. Jervis, R. (1999). Realism, neoliberalism, and cooperation: understanding the debate. **International Security**, 24(1), 42-63.
24. Keohane, R. O., & Martin, L. L. (2003) **Institutional Theory as a Research Prograess In Elman, Progress in international relations theory: Appraising the field**. MIT Press.
25. Mearsheimer, J.J. (1994). The false promise of international institutions. *International security*, 19(3), 5-49.

26. Ozkan, E., & Cetin, H. C. (2016). "The Realist and Liberal Positions on the Role of International Organizations in Maintaining World Order". **European Scientific Journal**, 12(17). 85-96.
27. Renner, J. H, (2015), "The Responsibility to Protect: A Comparative Analysis of UN Security Council Actions in Libya and Syria", Policy Analysis Class of, 21-22.
28. Security council report, (2017), «UN Documents for Syria», <http://www.securitycouncilreport.org/undocuments/search.php?IncludeBlogs=10&limit=15&tag=%22Securit.>
29. Sharp, Jeremy and Blanchard, Christopher, (2013), "armed onflict in Syria: u.s. and international response", **crs report for congress.**
30. UNDoc. S/RES/2131, (18 December2013).
31. UNDoc. S/RES/2139, (22 February 2014).
32. UNDoc.S/RES/2254, (18 December 2015).
33. UNITED NATON SECURITY COUNCIL, (2017), <http://www.un.org/en/sc/documents>.
34. UNITED NATON SECURITY COUNCIL, (2017), <http://www.un.org/en/sc/meetings/>.